

◆ چهارشنبه ۱۵ مرداد ۱۴۰۴ ◆ شماره ۲۰۱۶ ◆ سال هشتم ◆ ۱۲ صفر ۱۴۴۷ ◆ ۶ آگوست ۲۰۲۵ ◆ ۸ صفحه ◆ ۱۰۰۰۰ تومان

روزنامه صبح ایران



مذاکرات ایران و اروپا زیر سایه تهدیدهای شورای امنیت

اروپا گوش به فرمان آمریکا

صفحه ۷

افزایش ۷۰۰ درصدی حملات سایبری ایران علیه اسرائیل

کارزاری چندبُعدی و هماهنگ‌تر

خارجی خود اصلاح کرده است و مرحله‌ای تازه در تحول راهبردی ایران را نشان داد که با هماهنگی بیشتر، انسجام و ادغام بین‌حوزه‌ای مشخص می‌شود. تهران نشان داد که اکنون توانمندی‌های سایبری را بخشی جدایی‌ناپذیر از جنگ می‌داند. تغییر الگوی استفاده از ابزارهای دیجیتال که یک ماه و نیم پیش مشاهده شد، اهمیت دارد، زیرا درکی کلیدی از قصد ایران برای نهادینه‌سازی عملیات سایبری در چارچوب دکترین گسترده‌تر «جنگ ترکیبی» ارائه می‌دهد. جنگ ۱۲ روزه میان ایران و اسرائیل، یک کارزار پیچیده و چندلایه سایبری از سوی ایران را نمایان ساخت که بسیار فراتر از اقدامات هکری پراکنده بود. این تقابل شاهد اجرای طیف وسیعی از عملیات‌های سایبری توسط ایران بود که اهدافی چون اعمال فشار روانی، جمع‌آوری اطلاعات تاکتیکی و بازدارندگی علیه کشورهای ثالث را دنبال می‌کرد.

شرح در صفحه ۲

روایت ناگوار رئیس سازمان فنی و حرفه ای کشور	حذف ۶ صفر به جای ۴ صفر برای دوام بیشتر	یک دهه طول می‌کشد تا زیرساخت‌های مکران آماده استقرار پایتخت شوند!
چشم‌انداز مهارت ایرانیان روشن نیست	حذف صفرها از پول ملی اقتصاد را نجات می‌دهد؟	انتقال صنایع آب‌بر به مکران بهتر از انتقال پایتخت
صفحه ۸	صفحه ۲	صفحه ۴



به‌قلم: کیهان برزگر

جنگ» و از طریق تهدید به حمله مجدد به تاسیسات هسته ای تقویت کند. در مقابل، ایران تلاش می‌کند تا اهرم چانه زنی خود را با تکیه بر «دیپلماسی صلح» و از طریق یک «همکاری حساب شده» با آژانس بین المللی انرژی اتمی و همزمان تاکید بر ضرورت حفظ و تداوم غنی سازی اورانیوم در خاک ایران افزایش دهد.

ادامه در صفحه ۲



به‌قلم: فردین علیخواه



رسانه‌ای گفتگوهای کارشناسی و تخصصی برای جامعه از جمله ویژگی‌های مثبتی است که صددرصد به نفع نهادی همچون شهرداری تهران است. در واقع، این لطف اندیشمندان کشور به شهرداری تهران است و نه بر عکس؛ و عجیب آنکه شهرداری از این منبع رایگان سرمایه اجتماعی غافل است.

اگر به سطرهای آغازین این نوشتار بازگردم تاکید می‌کنم که ساختمان‌ها نیز جزوی از حیات فکری شهرهایند، ساختمان‌ها و خانه‌های اندیشمندان جزو فرهنگ مادی جوامع‌اند و می‌خواهم بگویم که اصلاً بعید نیست که فرداروزی «بتانی هیوزهایی» به خیابان نجات‌الهی شهر تهران بروند، در مقابل ساختمان خانه اندیشمندان علوم‌انسانی بایستند و از نقش آن در حیات فرهنگی شهر و خط سیر علوم‌انسانی ایران بگویند. ولی پرسش مهم‌تر آن است که در آن روزگار درباره شهردار وقت چه خواهند گفت؟

است. برای مثال گوگل اشتیاق نشان می‌دهد تا میزبان چهره‌ها و اندیشه‌ورزان جهانی نظیر یوال نوح جراری باشد؛ چرا که قصد دارد با جذب اندیشمندان این پیام را به جهان بدهد که فقط و فقط در پی رشد افسارگسیختهٔ فناوری نیست؛ بلکه جنبه

فرهنگی و فکری فناوری نیز برایش مهم و ارزشمند است. ولی می‌دانید نقطه تلخ ماجرا کجاست؟ ما پژوهشگران در این کشور مجبوریم برای آنچه در جهان امری افتخارآمیز و البته بدیهی محسوب می‌شود مدام استدلال بیاوریم و مدیران را برای انجام آن متقاعد کنیم. به یاد دارم که سال‌ها قبل وقتی گزارش‌های مربوط به وجهه سازمان‌ها نزد مردم را می‌خواندم معمولاً شهرداری‌ها وضعیت مناسبی نداشتند. دارم تعارف می‌کنم انگار. شهرداری‌ها افتضاح بودند. به همین دلیل اعتقاد دارم که وجود «خانه اندیشمندان علوم‌انسانی» در شهر، گردهمایی اندیشمندان و پژوهشگران در آن، و به ویژه بازتاب

افتخار یک شهر است که مکاتب و اندیشه‌هایی با نام آن شهر ثبت و ضبط شود.

دقیقاً به همین دلیل است که بسیاری از شهرهای جهان برای میزبانی کنفرانس‌ها و همایش‌های اندیشمندان اشتیاق نشان می‌دهند. حداقل یکی از دلایل این چنین اشتیاقی، افزایش منزلت فرهنگی شهر است. چه چیز از این بهتر که شهری خودش را میزبان مشتاق اندیشمندان و متفکران معرفی کند؟ مدیران شهرهای جهانی نیک می‌دانند که میزبانی از این افراد می‌تواند برای شهر میراث ایجاد کند و آیندگان از آن شهر به نیکی و افتخار یاد کنند. در همین ارتباط، در سال‌های اخیر علاوه بر شهرها، شرکت‌های بزرگ و معروف جهان نیز همواره برای میزبانی حلقه‌های متفکران مشتاق بوده‌اند. دلیل آنکه سلیکون‌ولی یکی از مکان‌های مهم برای پذیرایی از متفکرانی است که نگاهی نقادانه به فناوری‌های ارتباطی دارند همین

عصر است. در این مستند درمی‌یابیم که نام مکان‌ها همواره با اندیشمندان گره خورده است و چقدر جالب است که طبق آنچه این مستند به ما نشان می‌دهد هنوز هم برخی از مکان‌های دوره‌می‌های اندیشمندان در قرن نوزدهم در شهرهای اروپایی مرمت و نگهداری می‌شود.

در علوم‌انسانی کم نیستند مکاتب و حلقه‌های فکری که با نام خاستگاه شهری خود گره‌خورده‌اند. مکتب بوداپست، مکتب فرانکفورت، مکتب شیکاگو، مکتب بیرمنگام، حلقه وین و غیره تنها چند نمونه دراین خصوص است. از نوشتن این سطرها قصد دارم چه نکته‌ای را بگویم؟ مکان‌ها و شهرها در سیر تحول اندیشه مهم‌اند و می‌توانند به ماندگاری شهری و تبدیل شهر به برندی فرهنگی کمک کنند. اندیشه‌ها و اندیشمندان به حیات فرهنگی و فکری شهرها قوام می‌بخشند و موجب شناسائی شهرها؛ هم در اکنون و هم در آینده می‌شوند. در واقع مایه

«نواوغ دنیای مدرن»، مستندی از شبکه جهانی بی‌بی‌سی است که در سال ۲۰۱۶ در انگلیس تولید شد. بتانی هیوز، مجری برنامه، دانش‌آموخته تاریخ باستان و مدرن از دانشگاه آکسفورد است. مستند به زندگی و افکار مارکس، نیچه و فروید اختصاص دارد و نسخه دوبله شدهٔ آن در سایت آپارات نیز قابل دسترس است.

هیوز در شرح زندگی این سه متفکر، در کوچه‌های شهرهای محل سکونت آنان قدم می‌زند، گاهی در مقابل ساختمانی می‌ایستد، به آن خیره می‌شود و حیات تاریخی ساختمان و نقشی را که در سیر اندیشهٔ اندیشمندان آن دوران داشته شرح می‌دهد. هدف مستند توصیف و بیان سرگذشت نام‌آوران و تفکر آنان است ولی راوی به ناچار به خیابان‌ها، ساختمان‌ها، کافه‌ها، و مکان‌های گردهمایی و قرار و مدار اندیشمندان توجه می‌کند که بخشی از فرهنگ مادی(material culture) هر

یادداشت

در خدمت و خیانت کلمات

همان‌گونه که گئورگ اشتفان گفته است: "واژه‌ها وقتی از درون تهی شوند، دنیا را هم تهی می‌کنند." و در نهایت، این یک اصل بنیادین است: کلمات خود مسئول نیستند؛ این ما هستیم که با نحوه استفاده از آن‌ها، آن‌ها را به خدمت یا خیانت می‌کشانیم. سیاست‌مداران، مدیران، سخن‌وران و سیاست‌گذاران، در برابر سرنوشت واژگان، مسئول‌اند.و این مسئولیت، از جنس اخلاق، تدبیر و شجاعت و میهن پرستی است. در سیاست، آن‌چه بر زبان می‌آید، گاه خطرناک‌تر از آن چیزی‌ست که واقعاً رخ می‌دهد. کلمات، که باید حامل معنا، حقیقت و مسئولیت باشند، گاه به ابزار فریب، پردهپوشی و خودفریبی بدل می‌شوند. این همان چیزی‌ست که می‌توان نامش را خیانت کلمات گذاشت. کلمات زمانی خیانت‌کار می‌شوند که از نقش واقعی خود فاصله می‌گیرند

یادداشت

به‌وقت ناترازی

این روزها واژه ناترازی در حوزه انرژی، آب، برق، گاز و ... یکی از پرتکرار ترین واژه هایی است که در محافل رسمی و غیر رسمی شنیده می شود و به نوعی بار و فشار مسئولیت را از دوش مدیران فعلی بر می دارد و توپ وضع موجود را به زمین گذشتگان و حتی مردم می اندازد. اینکه درکشور پالایشگاه و نیروگاه و سد به اندازه کافی ساخته نشده است. اینکه در حوزه فرهنگ سازی خوب عمل نشده است و دمای رفاه مردم با دمای مد نظر وزارت نیرو تفاوت دارد. آمایش در حوزه کشاورزی کم‌رنگ بوده و با آب گرانبها، هندوانه کیلویی هزار تومان تولید می شود؛ مردم از آب

شیلنگ به جای جاروی حیاط استفاده کرده و با آب شرب حیاط و ماشین می شویند و باغچه و گل و گیاه شان را آب می دهند و قس علی هذا ... خلاصه اینکه شرایط به گونه ای تصویر می شود که به قول معروف «چاره ای نیست به جز دیدن و حسرت خوردن»؛ چرا که در عمل برخورد با مدیرانی که در این سال ها ترک فعل کرده اند ممکن نیست و حتی پلمپ چاه غیر قانونی معاون اسبق وزیر که در رسانه ملی از آن یاد شد، با حرف و حدیث همراه است چه رسد به بازخواست مدیری که الان سال هاست بازنشسته شده یا حتی روی در نقاب کشیده است. از

سویی ساخت نیروگاه ها و سد استاندارد و پالایشگاه و ... هم در مدت زمان کوتاه حتی با صرف بودجه کلان غیر قابل اجرا است و سالها زمان می برد. فرهنگ سازی نیز در مدت کوتاه، نتیجه اش از قبل مشخص است و قبایی خواهد شد که به تن همگان زار خواهد زد. فلذا برای حل ناترازی در شرایط کنونی، نیاز به یک بسته سیاستی جامع است که شامل اقدامات کوتاهمدت، میان مدت و بلندمدت در راستای افزایش تولید، مصرف بهینه و مدیریت مصرف در حوزه انرژی باشد. این بسته باید بر اساس نظر دانشمندان و کارشناسان بی طرف حوزه های مختلف و با

در نظر گرفتن جميع شرایط اقتصادی و اجتماعی تدوین شود. در این طرح علاوه بر تسريع ساخت نیروگاه و پالایشگاه و ...، همزمان باید برخورد با متخلفان حوزه های مختلف نظیر چاه های غیر مجاز، صنایع غیر مجاز آب بر، آمایش کشاورزی و حتی تعطیلی استخرهای تفریحی غیر استاندارد و پر مصرف پرداخته شود. در چنین شرایطی می توانیم انتظار همکاری از مردم و اجرای طرح های میان مدتی نظیر محدود کردن برخی مشاغل به سه روز در هفته امید داشت. فی المثل اگر طلا فروشی ها یا بنگاه های معاملات ملکی در طول تابستان هفته ای سه در روز

در هفته بازگشایی شوند، قطعاً به لحاظ اقتصادی دچار چالش نخواهند شد و مردم فقط در روز های فرد یا زوج به خرید و فروش طلا یا انجام معامله مبادرت می کنند. اما طرح هایی از این دست زمانی موثر واقع خواهند شد که بسته جامع دولت را روند پرشتاب به حل اساسی معضل ببرداز. وگرنه همچون ادارات که الان ساعت کاری آنها به ۵ ساعت رسیده است، ممکن روزهای فعالیت طلافروشی ها و بنگاه ها به یک روز در هفته کاهش پیدا کند و دولت برای کاهش فعالیت بقیه مشاغل هم اقدام کند!



به‌قلم: وحید حاج سعیدی

